

حکمت‌های تحریم ربا

سیدهای حسینی

چکیده

این مقاله که از بخش‌های متعدّد تشکیل شده، ابتدا با استفاده از آیات و روایات ربا، حکمت‌های زیر را به صورت فلسفه تحریم ربا معرفی می‌کند:

۱. هدایت سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های مولّد
۲. هدایت سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های مفید
۳. هدایت انسان‌ها به سمت تعادل روحی و روانی.

در بخش دوم، به تبیین عظمت گناه ربا در اسلام می‌پردازد و در بخش سوم، با ردّ عقلایی بودن ربا در اقتصاد، راه کارهای اسلامی برای جریان پول و سرمایه را تبیین می‌کند و به مواردی چون قرض الحسنه، شرکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، جعاله، مصالحه، وقف، وصیت و هبه می‌پردازد و در پایان، پیشنهادهایی اجرایی برای اقتصادهای بدون ربا ارائه می‌کند.

مقدمه

در نگرش دین، جامعه‌ای که فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی خود را بر پایه ربا سامان دهد، به سوی نابودی گام برمی‌دارد،^۱ و در مسیر عصیانگری و ناسپاسی است.^۲ از رستگاری و شکوفایی واقعی باز می‌ماند و انواع آشفتنگی‌ها، بی‌عدالتی‌ها و فسادگری‌ها در آن رواج می‌یابد، و در این روش، توده‌های مردم از نعمت‌های گوارا و لذت بخش زندگی محروم می‌شوند.^۳

در نگرش دین، بدترین،^۴ پلیدترین^۵ و خطرناک‌ترین^۶ شیوه کسب درآمد و تأمین زندگی، آن است که آدمیان از طریق درآمد حاصل از ربا، توان و رشد اقتصادی خود را

افزایش دهند؛ از این رو به مؤمنان یادآور می‌شود که از رباخواری و ترویج فرهنگ ربا، و ساماندهی اقتصاد جامعه بر اساس آن به شدت بپرهیزند، و به تقوا و حاکمیت ارزش‌های دینی در جامعه روی آورند،^۷ و با دلیل تراشی‌ها و توجیحات گوناگون،^۸ خود و جامعه را به این دشمن پنهانی^۹ و فریبنده نیالایند.

حکمت‌های تحریم ربا

۱. هدایت سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های مولد

از جمله حکمت‌های تحریم ربا در اسلام، شرکت عینی مردم در فعالیت‌های بازرگانی و تولیدی با حضور محسوس در اقتصاد واقعی است.^{۱۰} در بینش اسلام، اقتصاد ربوی، عامل گرایش به سودپرستی^{۱۱} و فراموشی کمک‌های انسان دوستانه به دیگران^{۱۲} است، و به شکاف روزافزون زندگی‌ها و شکل‌گیری فاصله طبقاتی و ثروت‌های افسانه‌ای نزد گروهی از افراد می‌انجامد، و اسباب تباهی انسان‌ها را فراهم می‌آورد،^{۱۳} و کسان بسیاری را به تحمل ستمی فرساینده و جانکاه وامی‌دارد؛^{۱۴} ستمی که جسم و روان آدمی را می‌آزارد، و او را از مسیر تکامل و تعالی و زندگی درست و سازنده باز می‌دارد.

۲. هدایت سرمایه‌ها به سمت فعالیت‌های مفید

با حاکمیت فرهنگ ربا، انجام کارهای نیک و اساسی برای پایداری حیات اجتماعی رنگ می‌بازد^{۱۵} و به استوارسازی زیربنای اقتصادی توجه نمی‌شود.^{۱۶} انسان، رسالت و مسؤولیت مهم و بزرگ خود را در این زمینه‌ها از یاد می‌برد و سرمایه‌گذاری و گردش درست دارایی‌ها در گردونه انحرافی و ویرانگر می‌افتد و جایگاه بایسته خود را نمی‌یابد. آنچه سود آتی و سرشار دارد، به جای آنچه مورد نیاز واقعی است، تولید می‌شود^{۱۷} و در نتیجه، نظام اقتصادی روندی ویرانگر می‌یابد. چنین است که قرآن، پدیده ربا را چون سرمایه‌داری می‌شناساند که حالتی نامتعادل پدید می‌آورد؛ حالتی که در آن، اهداف، تابع امیال نفسانی فزونخواهی است، و حرکت‌ها سمت و سوی هدفمند (به معنای درست دینی و انسانی آن) ندارد.^{۱۸}

۳. هدایت انسان‌ها به سمت تعادل روحی و روانی

در آموزه‌های اسلامی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نظام اقتصادی ربوی، به صورت تمثیلی لطیف و پرمعنا، نمایانده شده است. رباخوار در قالب انسانی تمثیل یافته که بزرگی شکمش چون خانه و نامتناسب با دیگر اندام‌ها است، و توان تحرک و حیات قوامی خود را بر اثر حجم بزرگ و سنگینی شکم از دست داده است.^{۱۹} این تمثیل بیانگر عینیت نمادین و بازگوکننده چهره واقعی جامعه‌ای به شمار می‌رود که در آن، ربا محور و اساس حرکت‌های اقتصادی قرار گرفته است.

بزرگی گناه ربا در اسلام

دین اسلام، ربا را همتای بزرگ‌ترین گناهان دانسته،^{۲۰} و آن را به شدت نکوهیده است.^{۲۱} و نظریه پردازان، مدیران، برنامه‌ریزان و همه دست‌اندرکاران آن لعنت شده‌اند.^{۲۲} در آموزه‌های دین، از دین‌باوران خواسته شده تا در برابر این پدیده شوم بایستند،^{۲۳} و رواج‌دهندگان آن را - به ویژه کسانی که آن را مایه حیات و رشد اقتصادی می‌دانند -^{۲۴} نابود کنند؛ زیرا در جامعه اسلامی، اعتقاد به کارایی نظام ربوی در سلامت زیست مردم و سعادت آن‌ها، مانند شرک و گرایش به بی‌دینی است.^{۲۵}

راه‌کارهای دینی برای جریان سرمایه

روشن است که در اندیشه دینی، توانمندی اقتصادی، اساس دیگر توانایی‌ها و اقدام‌ها است، و رکود سرمایه و اندوخته‌ها نیز امری نابایست به شمار می‌آید و به فقر و درماندگی می‌انجامد. مال همچون خون، مایه حیات است و باید به گردش افتد و همچون خون که به میلیاردها سلول انسان به طور منظم و حساب شده، قوام متناسب می‌دهد و هر یک از سلول‌ها را برای انجام وظایف لازم آماده می‌سازد، یکایک افراد جامعه را از توان اقتصادی بایسته برای فعالیت‌های درست و سازنده برخوردار سازد تا استعدادها و توانمندی‌های بالقوه مردم شکوفا شوند، و حاصل کوشش هر کس برگ زرینی در تاریخ زیست آدمی و اندوخته‌ای ارزشمند برای حیات جاودانی‌اش شود. دین در این جهت، رهنمودهای فراوانی دارد که به تناسب مقاله، به معرفی برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

پرداخت وام بدون بهره (قرض الحسنه) به نیازمندان و کسانی که مشکلات مالی دارند^{۲۶} و نیز آنان که می‌خواهند دستاوردهای ثمربخش و ارزنده‌ای را عاید جامعه کنند،^{۲۷} و همچنین پرداخت‌ها و کمک‌های بلاعوض،^{۲۸} از آن جمله است. انجام فعالیت‌های اقتصادی از طریق قراردادهای گوناگونی چون شرکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، جعاله، مصالحه، و بیع در آموزه‌های دین، قلمرو گسترده اقتصاد اسلامی را در فعالیت‌های تولیدی و بازرگانی و خدماتی می‌نمایاند. گذشته از این، مسائل ارزشی اقتصادی چون وقف نذورات، وصیت، هبه و انواع انفاق‌های مالی، و مالیات‌هایی که در اسلام مقرزگشته، و وظایفی که دین بر عهده حاکم اسلامی گذاشته است، تکافل و تعاون اجتماعی که در جاهای فراوان مطرح است و نیز مسائل بسیار دیگری مانند اصل اخوت، مساوات و ... و حدود و شرایط مالکیت در اسلام، نظام اسلامی را قوامی خاص می‌بخشد که در عین برخورداری از مزایای واقعی بسیاری از مکاتب، با هیچ‌کدام از آنها عینیت ندارد و مدینه فاضله‌ای را در افق دید قرار می‌دهد که مؤمنان در کوششی همه جانبه باید به سوی آن حرکت کنند و رشد فردی و اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خویش را اعتلا بخشد. در پرتو این آموزه‌ها، نرخ بهره، معنای سودپرستانه و مادی کنونی خود را از دست می‌دهد، و اهداف بسی برتر جلوه‌گر می‌شود.

این رهنمودها، هر گاه درست و اصولی عملی شود می‌تواند حیات اجتماعی اقتصادی را به سوی شکوفایی پایدار و مستمر سوق دهد. ملاک قراردادن عدل در هر حرکت و سکون انسان و در همه امور، و رعایت انصاف در همه حال و با همه، پشتوانه این امر است؛ به ویژه آن که دیگر ارزش‌های والای اسلام، نظام‌وار در جامعه نهادینه، و اساس فرهنگ و زندگی مردم شود.

موارد استثنای ربا

ربا جز در موارد استثنایی،^{۲۹} و در محدوده زندگی خصوصی خانواده،^{۳۰} در دیگر موارد مشروعیت ندارد، و آنچه کارکرد ربا را در پی داشته باشد، و با آن تفاوت اساسی نیابد، اگرچه در قالب عقود اسلامی ارائه شود، مشروع به نظر نمی‌رسد؛^{۳۱} زیرا پدیده‌ای را که با این شدت در دین حرام شده، و تمایز اصلی بین نظام اسلامی و غیراسلامی است

نمی‌توان با تغییر الفاظ، رنگ دینی بخشید بدون آن که ماهیت آن تغییر کند؛ از این رو لازم است برای استوارسازی نظام اقتصادی و نظام بانکی اسلامی بر پایه اقتصاد غیرربوبی، در جامعه تحولات بنیادین صورت گیرد. از نخستین گام‌ها در این جهت، شکل‌گیری جامعه بر اساس ارزش‌ها و آموزه‌های اسلام است. پیش‌فرض‌های چندی باید به تدریج در جامعه به صورت اصولی خدشه‌ناپذیر درآید، و فرهنگ ناب دین در مردم نهادینه شود، و با برنامه‌ریزی و مدیریت درست، زمینه هر نوع سوءاستفاده از آموزه‌های اسلام برچیده شود.

نتایج و پیشنهادها

با توجه به مجموعه‌ای از آیات و روایات که در جاهای گوناگون به آن اشاره شده، آن‌چه در بررسی پدیده ربا در پرتو تعالیم دین شایان توجه می‌نماید، امور ذیل است:

۱. می‌توان ادعا کرد که در پیکر دین، نظام اقتصادی، نقش دستگاه تغذیه دیگر اندام‌ها را بر عهده دارد که نظام پیچیده‌ای آن را در بر گرفته است. میزان عملکرد آن از سویی به کارایی درست نظام کنترل‌کننده و جهت‌دهنده وابسته است، و از دیگر سو به داده‌هایی که این دستگاه می‌گیرد. نقش ربا در این میان، نقش خوراک نامناسبی است که به این دستگاه وارد می‌شود، و از طریق تغذیه نادرست دیگر بخش‌ها، کارآمدی درست آن‌ها را از بین می‌برد، و با بیمار ساختن کل مجموعه، با ایجاد پیام‌های انحرافی به جای رشد کل اندام‌ها، فقط بخش خاصی از آن را بیمار گونه رشد می‌دهد و به تدریج، دیگر نظام و اندام‌ها را بی‌رمق می‌سازد.

۲. آموزه‌های دین، پول را وسیله‌ای برمی‌شمرد که می‌تواند نیازهای گوناگون را برآورد، و کارها را درست به جریان اندازد، و به فرد و جامعه قوام بایسته دهد. روشن است که هر آن‌چه در این نقش محوری و اساسی پول، خلل وارد سازد، بر خلاف آموزه‌های دین است و ربا با ایجاد انحراف در نقش پول و بهره‌گیری از آن به صورت راه درآمدی بدون کوشش اقتصادی، جامعه را از سامان‌یابی اساسی و پایدار و رسیدن به سعادت واقعی باز می‌دارد و اگر ادعا شود ربا بازده سرمایه است که صاحب سرمایه به ازای مدت استفاده از پولش دریافت می‌کند باید گفت: اسلام، به جهت ظالمانه بودن، این شیوه را منع کرده، راه‌های

دیگری برای بهره‌برداری از سرمایه پیشنهاد می‌کند.

۳. با حاکمیت ربا و رونق یافتن آن، ارزش‌های اصیل اسلامی که فرهنگ دین بر پایه آن‌ها استوار است، کمرنگ می‌شود، و مسائلی چون شریک‌دانستن تهیدستان در دارایی ثروتمندان، قرض‌الحسنه (وام بدون بهره)، و پاداش‌های فراوان آن و نیز ارزش‌های انسانی آن، انفاق‌های مالی، حق معلوم، تکافل اجتماعی، مساوات مالی، یاری نیازمندان و تکلیف همگانی در برابر نیازهای عمومی جامعه (مانند سرمایه‌گذاری برای طرح‌های اجتماعی و عمومی) جنبه آرمانی و حاشیه‌ای می‌یابد.

۴. بررسی آیات روشن می‌سازد که ربا به صورت نوعی راه کسب درآمد، و افزون‌سازی ثروت، فعالیت اقتصادی نامشروع است. از نظر قرآن، منطق رباخواران و ربادهندگان این است که ربا همچون بیع (فعالیت‌های تجاری و بازرگانی) است؛ در حالی که اسلام خطر سود و زیان حاصل از معاملات را می‌پذیرد، و آن را جریان طبیعی و عادی می‌داند؛ ولی ربا را بر نمی‌تابد و آن را باعث نابودی کوشش‌های مثبت می‌داند که انسان را فقط به سودطلبی می‌کشاند و تحمل سود و زیان در کارهای اقتصادی را از او می‌گیرد و این در حالی است که می‌دانیم و به تجربه تاریخ ثابت است که هر فعالیت اقتصادی با انواع نگرانی‌ها آمیخته و با سود و زیان‌های احتمالی همراه است.

۵. معیار اساسی در حرمت ربا، ستم به وام‌گیرنده نیست، و در هیچ یک از آیات به صراحت، علت حرمت، ستم به وام‌گیرنده عنوان نشده است. ملاک اصلی در حرمت، این است که به جریان افتادن ربا، جامعه را از تعادل اقتصادی و ثبات لازم و هدفمندی و همسانی در سطح درآمدها و رشد و توسعه مناسب و انسانی و تحمل سود و زیان، خارج می‌کند، و به شکاف طبقاتی می‌انجامد و سرمایه‌هایی افسانه‌ای در بخش‌هایی اندک پدید می‌آورد. عدل و انصاف از میان می‌رود، و هر کس به حق خود آن گونه که باید نمی‌رسد و این ملاک، اقتصاد سنتی و مدرن نمی‌شناسد. وام مصرفی و وام سرمایه‌ای (تولیدی) نمی‌شناسد. پول اعتباری و پول فلزی در آن دخالت ندارد. گذشت زمان در آن تغییر ایجاد نمی‌کند. رشد جمعیت، تقسیم کار، تخصصی شدن تولید، رشد روزافزون فن‌آوری و ... نمی‌تواند در آن دگرگونی اصولی پدید آورد.

عمر رساندن حق به صاحب حق، و اصل خدشه‌ناپذیر رعایت عدالت، در همه حال، برای

همه کس، و در هر جا و زمان، روح و اساس دین است. هر وجدان سالمی آن را می‌پذیرد و هر کس از عدم دستیابی به حقوق و بی‌عدالتی در سطح خانواده، جامعه و جهان می‌رنجد. این دو اصل از اصول موضوعه و ملاک برای ارزیابی عملکردها و رفتارها و دیگر اصول دانسته می‌شود، و حجیت آن‌ها از دلیل بی‌نیاز است. استواری آن‌ها به حدی است که هر امری متضاد با خود را از هستی ساقط می‌کند. بر اساس این دو اصل و نیز بر محور پیام قرآن که پاداش احسان جز احسان نباید باشد، در جامعه‌ای که نرخ تورم همچنان رو به فزونی می‌رود، لازم است در قرض‌الحسنه‌ها و وام‌ها، هنگام بازپرداخت، محاسبه نرخ تورم منظور شود، و قرض‌الحسنه بر اساس قدرت خرید پول و ارزش زمان پرداخت آن انجام گیرد تا این سنت ارزنده و نیک در جامعه پایدار بماند، و نیکوکاران از این ناحیه، جز در مواردی که خود آگاهانه به آن اقدام کنند، به ستمی ناخواسته گرفتار نیایند، و پاداش نیکوکاری خود را از دست رفتن توان قدرت خرید پول، و ناتوانی و درماندگی نیابند، و تهیدست و بی‌چیز نشوند.

۷. مسأله گردآوری پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری برای طرح‌های بزرگ تولیدی، و ایجاد اصلاحات زیربنایی و سامان‌یابی اقتصادی در نظام اسلامی به وسیله عقدهایی چون شرکت، مضاربه، جعاله، مزارعه و مساقات قابل حل است، و در این میان، عقد شرکت، شیوه‌ای عادلانه و اساسی است که هر گاه به گونه‌ای واقعی از آن استفاده شود، بازده و رشد اقتصادی حاصل از آن بسی بیش‌تر از نظام ربوی است. با برنامه‌ریزی درست و معرفی نهادها و افراد به وسیله دولت و با نظارت و کنترل مناسب و اصولی می‌توان افزون بر بانک‌ها، شرکت‌های تعاونی سرمایه‌گذاری را پدید آورد، و از این طریق، گذشته از ایجاد اشتغال، به اهداف بزرگ اقتصادی دست یافت، و رشد افراد جامعه را به گونه‌ای همگون و بر اساس حق آنان تأمین کرد. آرزوهای مردم کم‌درآمد و صاحبان پس‌اندازهای اندک، شکل‌گیری واقعی چنین شرکت‌ها و بانک‌هایی است؛ امینان دلسوزی که سپرده‌های آنان را در روندی سودآور و بسامان و هدفمند به کار اندازند و منافع آنان در جامعه پاس داشته شود.

طبیعی است که این امر در مواردی ممکن است با خطرهایی همراه باشد، و به شکست‌هایی بینجامد، و در نتیجه، سرمایه‌ها و اندوخته‌های مردم تلف شود. در چنین مواردی، دولت اسلامی پشتوانه این امر است، و ضامن پرداخت مالی که به حیات آن‌ها قوام دهد.

پی‌نوشت‌ها

۱. يَمْحَقُ اللهُ الرِّبَاَ (بقره ۲): ۲۷۶. خدا مال ربا را نابود می‌کند.
۲. امام علی علیه السلام: «اذا اراد الله بقرية هلاكاً، ظهر فيهم الربا؛ چون خدا هلاک [مردم] آبادی را بخواهد، در میان ایشان رباخواری رایج می‌شود». (ترجمه الحیاة ج ۵، ص ۶۲۰)
۳. يَمْحَقُ اللهُ الرِّبَاَ، ... و الله لا يُجِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ. بقره (۲): ص ۲۷۶ خدا مال ربا را نابود می‌کند و ... و خداوند ناسپاسان و بزه‌کاران را دوست نمی‌دارد.
۴. فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِ... أَخَذَهُم الرِّبَا وَ قَدْ نُهِوا عَنْهُ وَ أَكْلِهِمْ اَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ. نساء (۴): ۱۶۰ و ۱۶۱. به سبب ظمی که از یهودیان سرزد، نعمت‌های پاکیزه و حلال را بر آنان حرام کردیم، ... و نیز بدان جهت که به رباخواری پرداختند، با آن که از آن منع شده بودند، و به شیوه‌های نادرست اموال مردم را در اختیار گرفتند.
۵. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «شر المکاسب کسب الرِّبَا؛ بدترین کسب‌ها، کسب ربا است». (ترجمه الحیاة: ج ۵، ص ۶۰۲)
۶. امام باقر علیه السلام: «خبث المکاسب کسب الرِّبَا؛ پلیدترین کسب‌ها، رباخواری است». (همان، ص ۶۰۷)
۷. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «إِنَّ اخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي ... الرِّبَا؛ یکی از ترسناک‌ترین چیزی که دربارهٔ اُمت من از آن بیمناکم، ... ربا است». (همان، ص ۶۰۸ و ۶۰۹)
۸. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذُرُّوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا، إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. بقره (۲): ۲۷۸. ای مؤمنان! از خدا بترسید، و ربای باقیمانده را واگذارید [و فقط اصل مال خویش را بگیرید]، اگر [به راستی] مؤمنید.
۹. الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا ... قَالُوا إِنَّمَا أَلْبَيْعُ مِثْلَ الرِّبَا. بقره (۲): ص ۲۷۵. کسانی که ربا می‌خورند، ... گویند: داد و ستد نیز مانند ربا است.
۱۰. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «... إِنَّ الْقَوْمَ سَيَفْتِنُونَ بَعْدِي بِأَمْوَالِهِمْ، ... وَ يَسْتَحْلُونَ حَرَامَ اللَّهِ بِالشَّبَهَاتِ الكاذِبَةِ وَ الاَهْوَاءِ السَّاهِيَةِ، فَيَسْتَحْلُونَ ... الرِّبَا بِالْبَيْعِ، ... پس از من این قوم [مسلمان] با اموالشان آزموده می‌شوند ... و با شبهه‌های کاذب و هواهای اغفال‌کننده، حرام خدا را حلال شمارند؛ پس ... ربا را با [کلاه شرعی در] معامله برخورد حلال کنند». (ترجمه الحیاة، ج ۵، ص ۶۰۹)
۱۱. امام علی علیه السلام: «وَاللَّهِ الرِّبَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَخْفَى مِنْ دَيْبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّفَا. (محمدباقر مجلسی: بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۱۷) به خدا سوگند! ربا در میان مسلمانان، پنهانی‌تر از خزیدن مورچه روی سنگ صاف است.
۱۲. امام صادق علیه السلام: «فَحَرَّمَ اللهُ الرِّبَا، لِيَتَفَرَّقَ النَّاسُ عَنِ الْحَرَامِ إِلَى التَّجَارَاتِ، وَ إِلَى الْبَيْعِ وَ الشَّرَاءِ ... خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از حرام به کسب و کار روی آورند و به خرید و فروش بپردازند». (ترجمه الحیاة، ج ۵، ص ۶۱۰)
۱۳. امام رضا علیه السلام: «عَلَّةُ تَحْرِيمِ الرِّبَا ... رَغْبَةُ النَّاسِ فِي الرِّبْحِ؛ عَلَّتْ تَحْرِيمَ رِبَا ... تمایل یافتن مردم به سودخواری است». (همان، ص ۶۱۰ و ۶۱۱)
۱۴. امام رضا علیه السلام: «عَلَّةُ تَحْرِيمِ الرِّبَا ... ذَهَابُ الْمَعْرُوفِ، ... وَ تَرْكُهُمُ الْقَرْضَ؛ عَلَّتْ تَحْرِيمَ رِبَا ... بر افتادن کار

خبر ... و ترک قرض دادن به نیازمندان است». (همان)

۱۳. امام رضا علیه السلام: «علّة تحریم الرّبا لما فيه من فساد الأموال ... فبیع الرّبا و شراوه و کس علی کلّ حال، علی المشتري و البایع؛ ... علّت حرام بودن ربا ... این است که مایه تباهی اموال می شود. ... خرید و فروش ربوی در هر حال به زیان خریدار و فروشنده خواهد بود». (همان)

۱۴. امام رضا علیه السلام: «... علّة تحریم الرّبا ... لما فی ذلك من الفساد و الظلم؛ ... علّت تحریم ربا ... وجود فساد و شیوع ظلم در آن است». (همان)

۱۵. امام باقر علیه السلام: «إتّما حرّم الله الرّبا لثلاث یذهب المعروف؛ ... خدا ربا را از آن جهت حرام کرد که نیکوکاری از میان نرود». (همان، ص ۶۱۸)

۱۶. امام صادق علیه السلام: «إتّما حرّم الله عزّوجلّ الرّبا لثلاث تمتنعوا عن اصطناع المعروف؛ ... خدای بزرگ ربا را از آن جهت حرام کرد تا شما از پرداختن به کارهای نیک باز نمانید». (همان، ص ۶۱۹)

۱۷. امام صادق علیه السلام: «... لوکان الرّبا خلافاً لترك الناس التّجارات و ما یحتاجونّ الیه؛ اگر ربا حلال باشد، مردم تولید و تجارت [اصولی و درست] را رها می کنند، و نیازهای واقعی خویش و جامعه را از یاد می برند». (همان، ص ۴۰۴)

۱۸. الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا كَمَا يُؤْمِنُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ... بقره (۲): ۲۷۵ کسانی که ربا می خورند، قوامی روان پریش و رفتاری جنون آمیز دارند.

۱۹. پیامبر صلی الله علیه و آله به روایت امام صادق علیه السلام: «لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ، رَأَيْتُ اقْوَامًا يُرِيدُ أَخَذَهُمْ أَنْ يَقُومَ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِظَمِ بَطْنِهِ. فَقُلْتُ: مَنْ هَؤُلَاءِ يَا جِبْرَائِيلُ؟ قَالَ: هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا! ... چون مرا شبانه به آسمان بردند، کسانی را دیدم که می خواستند از جای برخیزند؛ ولی توانایی آن را نداشتند، و این به سبب بزرگی شکم آنان بود. گفتم: ای جبرائیل! اینان کیانند؟ گفت: اینان آن کسانی هستند که ربا می خورند». (ترجمه الحیاة، ج ۵ ص ۶۱۷)

- پیامبر صلی الله علیه و آله: «لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتُ رَجُلًا بَطُونَهُمْ كَالْبَيْوتِ، فِيهَا الْحَيَاتُ، تُرَى مِنْ خَارِجِ بَطُونِهِمْ، فَقُلْتُ: مَنْ هَؤُلَاءِ يَا جِبْرَائِيلُ؟ قَالَ: هَؤُلَاءِ أَكَلَةُ الرِّبَا! ... چون مرا شبانه به آسمان بردند، مردانی را دیدم که شکم هایی مانند خانه داشتند و در آن ها مارهایی بود که از بیرون شکم هایشان دیده می شد. گفتم: ای جبرائیل! اینان کیانند؟ گفت: اینان رباخوارانند». (همان)

۲۰. امام صادق علیه السلام: «إِنَّ لِلرِّبَا سَبْعِينَ جِزَاءً أَيْسَرُهُ أَنْ يَنْكِحَ الرَّجُلُ أُمَّهُ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ ... گناه و پلیدی] ربا دارای هفتاد جزء [= درجه] است، که ساده ترین آن ها چنان است که مردی با مادر خویش در خانه خدا درآمیزد». (همان، ص ۶۰۸)

۲۱. فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ. بقره (۲): ۲۷۹. و اگر چنین نکنید [و دست از رباخواری برندارید]، اعلان جنگ با خدا و رسول خدا بدهید.

۲۲. امام علی علیه السلام: «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الرِّبَا، وَ أَكْلَهُ، وَ بَايَعَهُ، وَ مُشْتَرِيَهُ، وَ كَاتِبَهُ، وَ شَاهِدِيَهُ؛ ... پیامبر خدا، ربا و خورنده و خریدار و فروشنده و نویسنده و گواهان آن را لعنت کرده است». (همان، ص ۶۱۲)

۲۳. پیامبر صلی الله علیه و آله: «من أخذ الرّبا وَجَبَ عليه القتل؛ ... هر کس ربا گرفت، کشتن او واجب است». (همان)

۲۴. امام صادق علیه السلام: «... عن ابن بکیر قال: بَلَغَ ابا عبد الله علیه السلام عن رجلٍ، أَنَّهُ كانَ يَأْكُلُ الرِّبَا، و يُسَمِّعِيهِ اللِّبَاءَ، فقال: لئن أَمْكِنَنِي اللهُ مِنْهُ لا ضَرْبَينَ عُنُقُهُ؛ ... به امام صادق علیه السلام خبر رسید که مردی ربا می خورد و آن را «لیبا» (فله، آغوز) می نامد. فرمود: «اگر خدا مرا بر او قدرت می داد، گردن او را می زدم». (همان، ص ۶۱۳)

۲۵. امام باقر علیه السلام: «يُسْتَتَابُ أَكْلُ الرِّبَا، كما يُسْتَتَابُ مِنَ الشَّرْكِ؛ ... ربا خوار را چنان باید توبه داد که مشرک را توبه می دهند». (همان، ص ۶۱۴)

۲۶. مَن ذَا الَّذِي يُفْرِضُ اللهُ قَرْضاً حَسَناً فَيُضَاعِفُهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ. حدید (۵۱): ۱۱ کیست آن که خدا را قرض بایسته دهد تا آن که خدا توانمندی اش را دوچندان سازد، و پاداشی کریمانه برایش منظور دارد. - پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «... و من أقرضَ مَلِهُوفاً فأحسنَ طَلَبَتَهُ ... أعطاهُ اللهُ بكلِّ درهم ألفَ قطارٍ مِنَ الجَنَّةِ؛ هر کس به نیازمند و رشکسته مالی وام دهد، و به نیکی باز پرداخت آن را بخواهد، ... خداوند برای هر درهمش، میلیون ها برابر، از بهشت به او می دهد». (الحیاء، ج ۶ ص ۹۷)

۲۷. امام صادق علیه السلام: «جمیل بن دراج قال: قلت له: ... انا نخالطُ نَفراً من اهل السوادِ فنقرضُهُم القرضَ، و یَصْرِفُونَ الینا غلاتِهِم فینبیعُها لِهِم بأجر و لنا فی ذلك منفعَةٌ ... فقال: لا بأس ... جمیل بن دراج می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتیم: ما با گروهی از روستائیان معاشرت داریم و به آنان قرض [وام بدون بهره] می پردازیم: از این رو آنان محصولاتشان را نزد ما می آورند، و ما با درصدی کارمزد برای آن ها می فروشیم، و از این کار سود می بریم. امام علیه السلام فرمود: اشکالی ندارد. (حز عاملی: وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۰۶)

۲۸. لَیَنْفِقَ ذَوْسَعَةً مِنْ سَعَتِهِ. طلاق (۶۵): ۷. هر کس توانایی مالی [و امکانات اقتصادی] دارد، باید از دارایی های خود [به افراد ناتوان و کم درآمد] انفاق [= کمک بلاعوض] کند.

۲۹. مانند مواردی که در اثر پاره‌ای از بحران‌های اقتصادی، کیان نظام اسلامی به خطر افتد یا به سبب وضعیت خاص جامعه و نظام ربوی حاکم بر روابط بین‌المللی، چاره‌ای جز به کارگیری آن باقی نماند. در این موارد تا زمانی که موقعیت بحرانی حاکم است، بر اساس روایات اضطرار می توان به طور موقت وجود ربا را در نظام اقتصادی و بانکی پذیرفت.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «رُفِعَ عَنِ أُمَّتِي ... ما اضْطَرَّوا إِلَیْهِ؛ هر گاه مردم چاره‌ای جز ارتکاب حرام نیابند، حکم حرمت از آنان برداشته می شود. (محمد ری شهری: میزان الحکمه، ج ۸، ص ۴۲۶)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: «كَلِمَا اضْطَرَّ إِلَیْهِ العَبْدُ فَقَدَ حَلَّةَ اللهِ لَهُ، وَ أَبَاحَ إِلَیْهِ؛ به آن چه انسان مضطر شود، خداوند آن را برایش حلال می کند، و آن را برای او مباح می گرداند. (همان، ج ۵، ص ۴۹۶)

۳۰. امام علی علیه السلام به روایت امام صادق علیه السلام: «لَیْسَ بَیْنَ الرَّجُلِ وَ وَالدِّهِ رِبا؛ بین پدر و فرزند ربا جایز است. (حز عاملی: وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۳۶)

- امام صادق علیه السلام: لَیْسَ ... بَیْنَ المَرَأِ وَ بَیْنَ رُؤُجِها رِبا؛ بین زن و شوهر ربا نیست. (همان، ص ۴۳۷)

۳۱. امام باقر علیه السلام: «مَنْ أقرضَ رجلاً و رجلاً فلا یشرطُ إلا مثلاً، ... و لا یأخذُ مِنْکُمْ رِکوبَ دَابَّةٍ او عاریةً متاعٍ، یشرطُ من أجلِ قرضه؛ هر کس به فردی پول قرض دهد، جز مثل آن را نستاند، ... و نمی تواند به سبب قرضی که داده است، استفاده از وسیله نقلیه وام گیرنده، یا عاریه گرفتن کالا یا راز او شرط کند. (همان، ج ۱۳، ص ۱۰۶)